

وقتی فقر قد می‌کشد

فقر پدیده اجتماعی پیچیده‌ای است که تلاش برای از بین بردن آن نیز به همان اندازه پیچیده است. شرح کلیشه‌ای و ساده علت فقر همان عقیده‌ای است...



جام جم سرا: فقر پدیده اجتماعی پیچیده‌ای است که تلاش برای از بین بردن آن نیز به همان اندازه پیچیده است. شرح کلیشه‌ای و ساده علت فقر همان عقیده‌ای است که می‌گویند فقرا خودشان مسبب فقرشان هستند و این اعتقاد بر اساس تفکری که هرکس اراده کند، می‌تواند از پس کاری برآید ناشی شده است.

بسیاری از نظریه‌پردازان فقرا را به این‌که کوچک‌ترین توجهی به آینده خود ندارند، متهم کرده‌اند و می‌گویند آنها ترجیح می‌دهند در لحظه زندگی کنند. برخی هم معتقدند که فقرا دست به رفتارهای خودتخریبی می‌زنند و خود را محکوم به ماندن در نداری می‌کنند و در واقع آنها گرفتار فقر فرهنگی هستند. فرهنگی که در آن احساس منفی به زندگی، ناامیدی و کم توانی دارند و این احساس‌شان را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کنند. این تئوری‌ها درباره فقر و کسانی که با فقر دست و پنجه نرم می‌کنند، هرگز سازنده نیست، زیرا افراد فقیری هستند که نه تنها به کار زیاد تمایل دارند بلکه وقتی فرصتش را نیز می‌یابند لحظه‌ای را از دست نمی‌دهند. مشکل اصلی فقرا، نبود دسترسی به تحصیل و شغل با درآمد مناسب است.

دلایل بسیاری وجود دارد که تولید فقر می‌کند که می‌توان به چند مورد آن اشاره کرد:

نابرابری‌های اجتماعی: یکی از مهم‌ترین دلایل فقر همان نابرابری‌های اجتماعی است که از تبعیض‌های جنسیتی، نژادی و قومی و وجود فاصله‌های زیاد طبقه‌های اجتماعی نشأت می‌گیرد. در کشورهایی که این گونه تبعیض‌ها وجود دارد، همیشه گروهی که در اقلیت هستند در فقر زندگی می‌کنند.

شرایط بد زیست‌محیطی و فجایع طبیعی: جوامعی که برای امرار معاش به محصولات کشاورزی و دامپروری وابسته هستند در شرایط خشکسالی یا سیل بشدت صدمه دیده و با از بین رفتن منابع در دسترس‌شان گرفتار فقر می‌شوند. از طرفی وقتی مردم کشورهای کم‌درآمد با بلایای طبیعی مانند زلزله و توفان مواجه می‌شوند، چون نمی‌توانند بازسازی مناطق آسیب‌دیده‌شان را بسرعت انجام دهند تا مدت‌ها در فقر زندگی می‌کنند و گرفتار پیامدهای منفی آن می‌شوند.

فساد مالی: هرگاه قدرت در طبقه‌ای خاص از اجتماع متمرکز شود، آن گروه دچار فساد مالی شده و به دیگر افراد جامعه اهمیتی نمی‌دهند. این روند معمولاً جلوی توسعه و پیشرفت را گرفته و افراد آسیب‌پذیر فقیر می‌شوند.

جنگ: درآمد مردمان مناطقی که گرفتار جنگ هستند، بشدت کاهش یافته و آنها را با فقر روبه‌رو می‌کند. از آنجا که دولت مجبور می‌شود منابع کشور را به تامین سلاح و ابزارهای جنگی برای مقابله با دشمن تخصیص دهد، نمی‌تواند فقر موجود در جامعه را هدف قرار داده و از میان بردارد.

پیامدهای منفی فقر

پیامدهای منفی فقر بسیار جدی و مهم است:

* کودکانی که در فقر بزرگ می‌شوند بیش از کودکان دیگر متحمل مشکلات سلامت هستند. معمولاً در خانواده فقیر، نوزادان تولد یافته به دلیل تغذیه نامناسب مادر از وزن کمی برخوردارند و به همین دلیل احتمال دارد گرفتار ناتوانی‌های ذهنی و جسمی شدیدی شوند. حتی برخی از آنها قبل از رسیدن به یکسالگی می‌میرند.

* کودکانی که در فقر بزرگ می‌شوند - به دلایل مشکلات مالی یا بیماری، احتمال این‌که ترک تحصیل کنند، بسیار زیاد است.

این کودکان به دلیل فقر، از سلامت روحی و جسمی مناسبی برخوردار نیستند و بیشتر مواقع نمی‌توانند ادامه تحصیل دهند.

* مقدار اضطراب موجود در خانواده با شرایط اقتصادی ارتباط مستقیم دارد. خانواده‌های فقیر نسبت به خانواده‌های طبقه متوسط به دلیل ناامنی مالی بیشتر دچار اضطراب می‌شوند. این خانواده‌ها بیش از دیگران در معرض حوادث منفی، بیماری، افسردگی، قربانی جرایم و مرگ‌های نابهنگام هستند. خانواده‌هایی که با فقر دست و پنجه نرم می‌کنند ممکن است دست به کارهای خلاف زده، در نتیجه گرفتار قانون و زندان شوند.

* بی‌خانمانی و فقر مطلق نسبت به فقر نسبی، مجموعه‌ای از مشکلات، بویژه برای خانواده‌ها و کودکان پیش می‌آورد. در حقیقت وضعیت کودکان بی‌خانمان نسبت به کودکان فقیری که سرپناه دارند بسیار بدتر است. کودکان بی‌خانمان هرگز غذای کافی مصرف نمی‌کنند و از نظر بهداشت و سلامت بشدت آسیب‌پذیرند.

زنان فقیر

با بالا رفتن میزان طلاق در جوامع امروزی به تعداد زنان و مادران مجرد روز به روز افزوده می‌شود و از آنجا که بیشتر مواقع پدران مسئولیت فرزندان خود را به عهده نمی‌گیرند و زنان نیز پیش از طلاق صرفاً خانه‌دار بودند، برای بزرگ کردن و حتی مراقبت از خود دچار مشکل می‌شوند و معمولاً با فقر دست و پنجه نرم می‌کنند.

مبارزه با فقر

از آنجا که فقر با خود فقر بیشتر می‌آورد، رهایی از فقر گاهی بسیار سخت می‌شود. بیشتر مواقع فقرا نمی‌توانند به فرصت‌های مناسب دست پیدا کنند. بیشتر مشاغل امروزی نیز به تحصیل مناسب نیاز دارند و فردی که فرصت تحصیل نداشته است، نمی‌تواند براحته مشغول کار شود و کودکان این خانواده‌ها نیز به دلیل نداشتن امکان تحصیل در بزرگسالی مانند والدین خود زندگی می‌کنند و فقرشان همچنان ادامه می‌یابد.

اما برای زدودن فقر روش‌های بسیاری وجود دارد:

1- امکان تحصیل برابر و آموزش مهارت‌ها

تحصیل بخش ضروری برای ایجاد تغییر در زندگی یک کودک است. کودکان دانش و مهارت‌های زندگی را از طریق معلمان دلسوز خود می‌آموزند و به مرور استعدادهای بالقوه‌شان را به کار می‌بندند. بنابراین به جای کمک‌های مالی به فقرا و خانواده‌هایشان، دولت باید راه‌حل‌های اساسی برای فقرزدایی به کار بندد. باید برای افرادی که به دلیل فقر، فرصت تحصیل و یادگیری مهارت‌های لازم را نداشته‌اند، شرایط آموزشی مناسبی فراهم کند و آنها را برای کسب مهارت‌های لازم به منظور داشتن یک زندگی مناسب هدایت کرد.

2- پیشگیری از جرم

معمولاً جوانانی که مهارت و تخصصی ندارند و فقیر هستند براحته به دام اعمال بزهکارانه می‌افتند و سر از زندان درمی‌آورند. باید برای این جوانان برنامه‌های مشاوره‌ای و آموزشی ترتیب داد تا بتوانند از پس مشکلات زندگی‌شان برآیند.

3- بهداشت و آب سالم

دسترسی به بهداشت و سلامت برای تمام افراد جامعه امری ضروری است. باید با اجرای برنامه‌های ویژه، برای تمام افراد جامعه درمانگاه‌ها و بیمارستان‌های مجهز ساخت تا هر کس با هر نوع درآمد بتواند از سلامت کافی برخوردار باشد. همچنین باید این بیمارستان‌ها مجهز به پزشکان و کارکنان حرفه‌ای شوند و بویژه در این خصوص باید به سلامت کودکان توجه ویژه‌ای کرد.

دسترسی به آب سالم نیز حق هر فردی است و رعایت اصول بهداشتی از مواردی است که باید تک‌تک افراد جامعه به آن توجه داشته باشند.

4- ایجاد روح تعاون و همکاری

افراد یک جامعه باید به کمک یکدیگر بیایند. در واقع راز داشتن یک جامعه موفق و عاری از فقر و بدبختی همکاری و مساعدت است. مردم می‌توانند با هم کار کنند، بیاموزند، یاد بگیرند و بسازند. با ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد برای مبارزه با فقر، همه می‌توانند داوطلبانه به کمک مردم جامعه خود بروند و در فقرزدایی کمک شایانی کنند.

5 - توانمند کردن زن‌ها

زنان قدرتمند می‌توانند خشونت و استثمار سرکوب‌کننده را خنثی کنند. هر جامعه‌ای که توانسته است رشد کند، زنان آن جامعه از قدرت روحی و روانی مناسبی برخوردار بوده‌اند. بنابراین باید زنان و دختران از حمایت مناسبی برخوردار بوده تا بتوانند نقش مناسبی در جامعه و اقتصاد جامعه‌شان ایفا کنند.

6 - شناختن حقوق فردی

تمام افراد یک جامعه بویژه کودکان باید حق و حقوق خود را بخوبی بشناسند. بنابراین از همان دوران کودکی باید به کودکان حقوق‌شان را یادآور شد و آنها را به گونه‌ای آموزش داد تا در جامعه نقش‌های فعالی بپذیرند. در واقع باید آنها را تشویق کرد تا درباره موضوعات مختلف نظر خود را براحتی بیان کنند و تصمیم‌های مهم درخصوص آینده‌شان بگیرند.

cliffnotes / مترجم: نادیا زکالوند